

قدرت دوگانه ی خود ویژه و معنای طبقاتی آن

۱- مهم ترین خصوصیت انقلاب ما، خصوصیتی که توجه عمیق نسبت به آن به شکل مؤکدی ضروری است قدرت دوگانه ایست که در همان روزهای اول پس از پیروزی انقلاب به وجود آمده است.

این قدرت دوگانه در وجود دو حکومت تجلی می کند: یکی حکومت عمده، حقیقی و واقعی بورژوازی، یعنی «حکومت موقت» لوفوف و شرکاء که تمام ارگان های قدرت را در اختیار خود دارد و دیگری حکومت اضافی، فرعی و «کنترل کننده» در وجود شورای نمایندگان کارگران و سربازان پطروگراد که ارگان های قدرت دولتی در دست آن نیست، ولی مستقیماً بر اکثریت مسلماً قاطع مردم و کارگران و سربازان متکی است.

منشاء طبقاتی این حکومت دوگانه و مفهوم طبقاتی آن عبارت از اینست که انقلاب مارس ۱۹۱۷ روسیه نه فقط تمام بساط سلطنت تزاری را برچید و نه فقط تمام قدرت را به دست بورژوازی داد، بلکه با دیکتاتوری انقلابی دموکراتیک پرولتاریا و دهقانان نیز کاملاً هم مرز گردید. شورای نمایندگان کارگران و سربازان پطروگراد و سایر شوراهای محلی همانا یک چنین دیکتاتوری (یعنی قدرتی که تکیه گاهش قانون نبوده بلکه نیروی مستقیم توده های مسلح اهالی است) و همانا دیکتاتوری طبقات نام برده هستند.

۲- خصوصیت دیگر بی نهایت مهم انقلاب روس عبارت از اینست که شورای نمایندگان سربازان و کارگران پطروگراد که چنان که از اوضاع بر می آید، از اعتماد اکثریت شوراهای محلی برخوردار است، قدرت دولتی را داوطلبانه به دست

بورژوازی و حکومت موقتی وی می دهد، داوطلبانه حق اولویت را بوی واگذار می نماید و در باره ی پشتیبانی از وی با او قرارداد سازش منعقد می کند و نقش خود را به نظارت و کنترل در امر فراخواندن مجلس مؤسسان (که حکومت موقت تا کنون حتما موعده آن را هم اعلام ننموده است) محدود می نماید.

این کیفیت فوق العاده خود ویژه ای که با این شکل نظیرش در تاریخ دیده نشده، موجب در آمیختن و اختلاط دو دیکتاتوری شده است: دیکتاتوری بورژوازی (زیرا حکومت لووف و شرکاء دیکتاتوری است، یعنی قدرتی است که تکیه گاهش قانون و ابراز قبلی اراده مردم نبوده بلکه تصرف جبری است که به توسط یک طبقه ی معین یعنی بورژوازی انجام گرفته است) و دیکتاتوری پرولتاریا و دهقانان (شورای نمایندگان کارگران و دهقانان).

جای کوچک ترین شکی نیست که این «در آمیختگی» نمی تواند مدت مدیدی قوام یابد. وجود دو قدرت در یک کشور امکان پذیر نیست. یکی از آن ها باید نابود شود و تمام بورژوازی روسیه اکنون با تمام قوا و با تمام وسائل در همه جا فعالیت می کند تا شوراهای نمایندگان سربازان و کارگران را برکنار سازد، ضعیف کند، به صفر برساند و قدرت یکتائی از بورژوازی به وجود آورد.

قدرت دوگانه فقط نموداری از یک لحظه ی انتقالی در جریان تکامل انقلاب است که در آن انقلاب از حدود یک انقلاب عادی بورژوا-دموکراتیک فراتر رفته ولی هنوز به دیکتاتوری «خالص» پرولتاریا و دهقانان نرسیده است.

مفهوم طبقاتی (و توضیح طبقاتی) این وضع انتقالی ناپایدار از این قرار است: انقلاب ما هم مانند هر انقلاب دیگر مستلزم بزرگ ترین قهرمانی و جانبازی توده ها برای مبارزه با تزارسیم بود و نیز تعداد بسیار زیاد و بی سابقه ای از افراد عامی را یک باره به جنبش کشاند.

یکی از مشخصات عمده علمی و عملی-سیاسی هر انقلاب واقعی عبارت از افزایش فوق العاده سریع و یک باره و ناگهانی تعداد «افراد عامی» است

که به شرکت فعالانه‌ی مستقل و عملی در زندگی سیاسی و به تشکیل دولت می‌پردازند.

این موضوع در مورد روسیه کاملاً صدق می‌کند. روسیه اکنون می‌جوشد. میلیون‌ها و ده‌ها میلیون افرادی که ده سال تمام از لحاظ سیاسی در خواب بودند و در نتیجه ستمگری مدّش تزاریسم و اعمال شاقّه به نفع ملاکین و کارخانه‌داران منکوب بودند از خواب برخاسته و به صحنه‌ی سیاست گام نهادند. حال ببینیم این میلیون‌ها و ده‌ها میلیون چه کسانی هستند؟ قسمت اعظم آن‌ها صاحب‌کاران خرده‌پا، خرده‌بورژواها و افرادی هستند که از لحاظ موقعیت خود بین سرمایه‌داران و کارگران روزمزد قرار دارند. روسیه-خرده‌بورژوازی‌ترین کشورهای اروپا است.

موج عظیم خرده‌بورژوازی همه چیز را در خود غرق کرده و نه تنها با کثرت عده‌ی خود بلکه از لحاظ ایدئولوژی نیز پرولتاریای آگاه را فرو کوفته است، بدین معنی که نظریات خرده‌بورژوانی را در رشته‌ی سیاست به محافل بسیار وسیعی از کارگران سرایت داده و این محافل را فرا گرفته است.

خرده‌بورژوازی در زندگی خود وابسته به بورژوازی است زیرا به شیوه صاحب‌کاران زندگی می‌کند نه به شیوه‌ی پرولتاری (از لحاظ موقعیت خود در تولید اجتماعی). این خرده‌بورژوازی از لحاظ نحوه تفکر خود از بورژوازی پیروی می‌کند.

اعتماد غیرآگاهانه نسبت به سرمایه‌داران که بدترین دشمنان صلح و سوسیالیسم هستند. صفت مشخصه‌ی سیاست کنونی توده‌های روسیه بوده و با سرعتی انقلابی در زمینه‌ی اجتماعی-اقتصادی یکی از خرده‌بورژوازی‌ترین کشورهای اروپائی نشوونما یافته است. این است پایه طبقاتی «سازش» (تأکید می‌کنم که آن چه در این مورد بیشتر منظور نظر من است سازش ظاهری نبوده، بلکه پشتیبانی در عمل، سازش خموشانه و گذشت از قدرت است که از اعتماد غیرآگاهانه ناشی می‌گردد)

بین حکومت موقت و شورای نمایندگان کارگران و سربازان سازشی که به کوچکف ها لقمه ی چرب و نرم یعنی قدرت واقعی ولی به شورا مواعید، افتخارات (موقتی و گذرنده)، چاپلوسی عبارت پردازی، قول و اطمینان و تعظیم و تکریم کرنسکی ها را- تقدیم داشته است.

کافی نبودن تعداد پرولتاریا در روسیه و کافی نبودن آگاهی و تشکل وی نکته ایست که طرف دیگر همان مدال را تشکیل می دهد.

تمام احزاب ناردنیکی و منجمله اس ارها همیشه خرده بورژوا بوده اند، حزب کمیته ی تشکیلاتی (چخیدزه، تسره تلی و سایرین) نیز به همین منوال؛ انقلابیون غیرحزبی (استکلف و سایرین) نیز ایضا تسلیم این موج شده و یا بر آن فائق نیامده و فرصت این کار را نیافته اند.

منتخب آثار لنین صفحه ۴۵۸

بازنویس: یاشار آذری

آدرس انترنتی کتابخانه: <http://www.javaan.net/nashr.htm>

آدرس پستی: BM IWSN, London WC1N ۳XX, UK

ایمیل: yasharzarri@yahoo.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۴